

آقای ابوالحسن شیبی مدتی مدیر انتشارات سالنامه و مجله دانشگاه تهران بوده‌اند، و دارای درجه M.A. از دانشگاه ایندیاناپای آمریکا هستند. مقاله زبر نتیجه مطالعاتی است که ایشان در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا نموده‌اند. این مطالعات همزمان با تحولات و تغییراتی که هم‌اکنون در دانشگاه‌های ایران در حال وقوع پیوستن است برای اطلاع خوانندگان گرامی درج می‌گردد.

مسائل ایران

برای اصلاح وضع دانشگاه‌های ایران

دنیا بسرعت در طریق تکامل و ترقی گام بر میدارد. کباده کش این پیشرفت‌های حیرت‌انگیز دانشگاه‌ها هستند.

تا کسی یکی از دانشگاه‌های مترقی جهان سر نزنند نمیتواند باین حقیقت پی‌برد که چگونه در این کشورها شب‌وروز پیرو جوان خرد و بزرگه در راه روشن کردن نکات تاریک زندگی بشر سر از پا نمی‌شناسند. البته این آرزوی هر ایرانی و وطنخواه است که چنین جنب‌وجوش‌هایی را در درون دانشگاه‌های خود به بیند هر گاه در دانشگاه‌های ما جنب‌وجوش‌هایی در دو موقع از سال تحصیلی به‌نگام گذاردن امتحانات به چشم می‌خورد متأسفانه باید گفت که بیشتر فعالیت‌های مزبور در طریق منفی است و نتیجه عمده آن عقیم کردن سیستم اعصاب و ضایع نمودن دستگاه گوارش است که بر اثر وارد کردن مثنی محفوظات زودگذر در حافظه و شب‌زنده‌داری‌های خارج از رویه حاصل می‌گردد.

برای اصلاح وضع دانشگاه‌های ایران بنظر میرسد باید هر یک از اجزاء سه‌گانه: دانشجو، کادر آموزشی و نحوه آموزش را بطور جداگانه مورد بررسی قرار داد.

ژده شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱ - دانشجو

در دانشگاه‌های مترقی عالم دانشجو هدف نهایی دانشگاه‌ها را تشکیل میدهد. تمام دستگاه‌های دانشگاه بفعالیت برمی‌خیزد برای آنکه وسائل رفاه دانشجورا چه از نظر مادی و چه از لحاظ معنوی تأمین کند. در اجرای این نظر اصلاح اساسی در راه‌های ذیل صورت می‌گیرد:

الف - مسئله مسکن: دانشگاه باید همه مساعی خود را بکار برد تا برای کلیه دانشجویان خود اعم از پسر و دختر و یا متأهل در ساختمان‌های متعلق بخود جا تهیه نماید. چون اعتقاد بر این است مسکن دانشجو در پیشرفت امر تحصیلی تأثیر کلی دارد بنا بر این در تأمین بهداشت و وسائل تهویه و حرارت مطبوع ساختمانها دقت و نظارت خاصی باید مبذول گردد. معمولا دانشگاه‌ها

اعتبار لازم را برای تهیه منزل برای همه دانشجویان خود ندارند در این قبیل موارد باید از يك طريقه ساده و عملی استفاده کرد و آن بکار انداختن پول راكد اشخاص متمکن است. در حصول این نظر دانشگاه به اشخاص مورد نظر مراجعه می کند و از آنها می خواهد که ساختمانهایی برای دانشگاه بسازند و اصل و فرع پول خود را با قسط چند ساله دریافت دارند و دانشگاه این اقساط را از محل کرایه‌ای که از دانشجویان خود دریافت می‌دارد می‌پردازد بعد از چند سال بدهی اقساط تمام میشود و ساختمانها از آن دانشگاه می‌گردد و عمر درآمدی برای دانشگاه میشود.

ب - غذا : دومین مسئله‌ای که باید مورد توجه دانشگاه قرار گیرد تأمین غذای دانشجویان است دانشگاه باید کمال مراقبت را در تغذیه همه دانشجویان خود بکار برد بعضی اوقات امکان آن هست که دانشجو بر اثر ضیق فرصت و کم شدن امکان مالی در غذای خود توجه کافی مبذول نکند و این امر سلامت و موفقیت او را متزلزل نماید برای رفع این اشکال معمولاً دانشگاهها تغذیه دانشجویان خود را خود بعهده می‌گیرند و برنامه‌ غذایی را طوری ترتیب میدهند که کالری لازم با توجه به میزان فعالیت فکری هر دانشجو به آنان برسد.

این يك توجه الزامی است زیرا دانشجویی که خوب تغذیه نشود قادر نخواهد بود انرژی لازم را برای درك مباحث مختلف بکاربرد.

ج - وام : هر گاه در امکان مالی دانشجویی در انانای تحصیل نقصی وارد شود این اشکال بوسیله اعطای وام از طرف دانشگاه بدان دانشجوی مربوط باید برطرف گردد. اعطای وام در صورتی انجام پذیر است که از نحوه کار و تحصیل دانشجو رضایت حاصل باشد و موقع استرداد آن وقتی است که دانشجو تحصیل خود را به پایان برد و بکاری مشغول گردد که در آن صورت با قسط ماهانه طی چند سال مستهلك می‌گردد.

د - اسکالرشپ ، آسپستان شپ : بدان دانشجویانی که در امر تحصیل مراقبت کافی مبذول دارند و نتایج کارشان رضایت بخش باشد از طرف دانشگاه باید به چنین دانشجویانی اسکالرشپ اعطاء گردد این اسکالرشپ ممکن است بصورت معافیت دانشجویان پرداخت شهریه باشد و یا بصورت پرداخت مبلغی بطور ماهانه باشد.

اما آسپستان شپیی بدان دانشجویان دوره فوق لیسانس و دوره دکتری اختصاص دارد دانشجویان دوره‌های مزبور در صورت بروز شایستگی در درس مربوط ممکن است با آسپستانی یکی از استادان رشته مربوط خود

انتخاب شوند و در بعضی از کارهای مربوط به آموزش و تحقیق استاد با کمک کنند. در ازای آن هر ماه مبلغی بدان‌شجو پرداخت می‌گردد.

ه - آسیستانی با حق آموزش: اجرای این ترتیب در تأمین نیازمندیهای مربوط به کمبود معلم نقش قاطعی ایفاء می‌کند. امروزه کمی معلم در اکثر ممالک عالم احساس میشود. امتیاز آسیستانی با حق آموزش بدان‌شجویانی در دوره فوق لیسانس و دکتری تعلق می‌گیرد که هم استعداد کافی بروز دهند و هم لیاقت کافی برای تدریس پاره‌ای از دروس مقدماتی دانشگاه را در دوره لیسانس داشته باشند. این ترتیبی است که با بکار بردن آن هم میتوان بمعاش دانشجو کمک کرد و هم ذوق او را برای شغل معلمی پرورش داد.

مبلغی که بابت سه مورد فوق بدان‌شجو پرداخت میشود میزان آن باید طوری باشد که اگر همه مخارج تحصیلی، خوراک و مسکن دانشجو را تکافو ندهد حد اقل برای تأمین قسمت اعظم مخارج مزبور کافی باشد.

و - واگذاری کارهای جزئی: کارهای جزئی دانشگاه معمولاً بدان‌شجویانی که ذخیره مادی کافی برای تأمین مخارج دانشگاهی خود ندارند واگذار می‌گردد تا از این طریق به بودجه محدود آنها کمک شود. این کارها شامل خدمت در نهار خوری‌های دانشجویان، کتابخانه‌های دانشگاه، کتابخانه مرکزی، کتابفروشی، کارهای تعمیر و رنگ آمیزی ساختمانهای دانشگاه در دوره تابستان و جز آن میباشد.

ز - جلب همکاری‌های دانشجویان در اداره بعضی از کارهای دانشگاه: جلب همکاری دانشجویان در اداره بعضی از کارهای دانشگاه مطلبی است که مستلزم امان نظر است دانشجویان میتوانند بدان‌شگاه خود در بعضی از امور اداری از قبیل شرکت در اداره کوی دانشگاه، اداره کتابخانه‌ها، اداره امور مربوط به منازل دانشجویی، امور مربوط به فعالیت‌های خارج از برنامه تحصیلی و جز آن کمک کنند و در این قبیل مسائل دارای آرائی مساوی با مأموران رسمی دانشگاه باشند. دلیل این دخالت آن است که اینها مسائلی است که در پیشرفت‌های تحصیلی دانشجویان تأثیر مستقیم دارد بنابراین چه بهتر که خود دانشجویان در این قبیل مسائل دارای نظر و رأی مستقیم گردند.

ح - تأسیس دفتر کارایی: تأسیس دفتر کارایی بمنظور تهیه کار برای دانشجویان در ایام تعطیل تابستان و تهیه کار دائم برای فارغ التحصیلان دانشگاه ضروری است. هرگاه دانشجویان بکار مناسبی در ایام تابستان گمارده شوند و مزد کافی دریافت دارند می‌توانند با پس انداز قسمتی از آن در تأمین هزینه دانشگاهی خود کمک کافی بنمایند. هرگاه برنامه صحیحی

تنظیم گردد حتی میتوان از نیروی کار این دانشجویان در آباد کردن مناطق جنوبی کشور استفاده نمود .

فارغ التحصیلان دانشگاه نیازمبرم دارند که به ایشان در تهیه کار مناسب پس از فراغ از تحصیل از طرف دانشگاه مساعدت شود در اجرای این نظر میتوان از مؤسسات مورد نظر خواست که احتیاجات خود را بدقت کارایی اطلاع دهند و از طرف دفتر مزبور محل های خالی و خصوصیات آن و میزان مواجب بفارغ التحصیلان واجد شرایط ابلاغ میگردد . پس از آن داوطلبان خصوصیات خود را بمؤسسات استخدام کننده طی نامه ای اطلاع میدهند آنگاه بامؤسسه مربوطه است که هر گاه داوطلبان متعدد باشند از بین ایشان تعداد مورد نظر را انتخاب کند .

با اجرای این ترتیب دیگر فارغ التحصیلان نیازی نخواهند داشت که پس از فراغ التحصیل شدن مدتی این در آن در بزنند و وقت خود را ضایع نمایند . برای این کار بود و کراسی عریض و طولی لازم نیست بکنفر متصدی با یک الی دو منشی قادرند کارها را روبراه نمایند .

۴ - کادر آموزشی

الف - در تشکیلات دانشگاهی ، کادر آموزشی مقام ارزنده ای دارد چون ارزش هر دانشگاه از روی دیپلم هائی که صادر می کند سنجیده میشود و کادر آموزشی در تعیین این ارزشها سهم بسزائی دارد بنابراین دانشگاهها کمال مراقبت را بکارمبیرند که هیئت آموزشی خود را از میان برجسته ترین فارغ التحصیلان دانشگاههای معتبر انتخاب کنند در این باره باید گفت دانشگاههای ما برائز وجود مقرراتی که احتیاج به تجدید نظر دارد نیل به مقام دانشجویی و استادی را دارا بودن درجه دکتری با معادل آن دانسته اند حال دیپلم دکتری از کدام دانشگاه صادر شده و نوع آن چیست مهم نیست فقط دارا بودن عنوان دکتری مهم است براین اساس بنظر میرسد اکثر اعضای کادر آموزشی دانشگاههای ما دارندگان دیپلمهای دکتری دانشگاهی تشکیل دهد و این دیپلمی است که دانشگاههای خارج برای کسب محبوبیت و ایجاد طرفداران فرهنگ خود بدان دانشجویان خارجی اعطاء میکنند و برای چنین دیپلمهائی از نظر تدریس در دانشگاههای خود اعتباری قائل نیستند . گرچه داشتن مدرک عالی تحصیلی دلیلی قاطع بر فاضل بودن دارندگان آن نیست و همین دارندگان دیپلمهای دانشگاهی کسانی هستند که در مدارج فضل و دانش ایشان جای هیچگونه گفتگو نیست ولی ما چرا باید روزه شک دار بگیریم چیزی را که صادر کننده با اساس آن مؤمن نیست ما باید با سلام و صلوات قبول کنیم . در

عوض دارندگان M. A. و M. S. که درجات مزبور را در شرایط مساوی با دانشجویان بومی دریافت داشته‌اند حق ندارند بدرجات دانشجویی و استادی در دانشگاه‌های ما نائل گردند (بعنوان توضیح باید بگویم با اینکه صدها سال از تأسیس دانشگاه‌های معتبر عالم میگذرد باز عده‌ای از دانشیاران و استادان دانشگاه‌های مزبور را دارندگان درجات M. A. و M. S. تشکیل میدهد.) چیزی را که دیگران قبول دارند ما قبول نداریم آنچه را که آنها نمی‌پذیرند ما روی سر میگذاریم.

اما اعطای عنوان معادل دکتری خود داستانی شنیدنی دارد و اصطلاح معروف «کلاه شرعی» را بخاطر می‌آورد. معمولاً کسانی که چند سالی به تدریس در دانشگاه اشتغال داشته‌اند و فاقد درجه دکتری میباشند برای اینکه این دسته نیز بتوانند بمقام دانشجویی نائل آیند بایشان اجازه داده میشود رساله‌ای در رشته خود بنویسند با تصویب شورای دانشگاه بنویسند؛ رساله درجه معادل دکتری اعطاء میگردد. این طرز اعطای درجه علمی که بی شباهت باعطای درجه دکتری افتخاری «Honoris Causa» نیست شاید فقط از اکتشافات خود ما باشد و در هیچ کشور دیگری چنین رویه‌ای معمول نباشد مثلاً هرگاه در نظر آوریم که اعضای شورای دانشگاه از استادان رشته‌های مختلف تشکیل میگردد و موضوع یکی از رساله‌ها موشک‌های بالستیک باشد و رأی اکثریت یعنی نصف باضافه یک منوط اعتبار باشد آیا استادان سایر رشته‌ها که رساله مورد بحث جزء رشته تخصصی ایشان نیست صلاحیت اظهار نظر را درباره رساله مزبور دارند؟ صحبت از درجه دکتری افتخاری شد لازم آمد مختصری درباره حقیقت آن بیان دارم اعطای درجه دکتری افتخاری که سابقه قدیمی دارد تا قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی فقط بوسیله معدودی از مؤسسات تربیتی مهم اروپا مورد عمل قرار میگرفت. دریافت کنندگان اولیه آن نیز الهیون بودند. میگویند به هاندل «Handel» درجه دکتری در موسیقی اعطاء گردید. وی کلاه و حمایل درجه مزبور را بخدمتکاری پوشاند و خطاب باو گفت «با این ترتیب من شما را دکتر در موسیقی مینمایم.» ویلیام آندرسن اسکاتلندی عالم برجسته الهیات از طرف دانشگاه ادینبورگ بدرجه دکتری افتخاری در الهیات نائل آمد وی از قبول درجه مزبور سرباز زد بنام اینکه اعضای شورای دانشگاه مزبور در وضعی قرار ندارند که بتوانند درباره الوهیت وی اظهار نظر کنند.

مشکلات دیگر که کم و بیش بدانها اشاره شده و در جراید نیز انعکاس یافته است عبارت از این است که عده‌ای استادی را پله‌ای برای ارتقاء بمقامات

اداری دانسته‌اند این با هیئت مدیران دانشگاه است که کسانی را در کادر آموزشی خود بپذیرند که ذاتاً اسکولار باشند و جز یاد دادن و یاد گرفتن هدف دیگری را تعقیب نمایند.

موضوع دیگری که در اینجا بحث آن لازم است زمان بازنشستگی کادر آموزشی دانشگاهها است بنظر میرسد سن ۶۰ سالگی حداکثر مهلت لازم برای بازنشسته کردن کادر مزبور باشد دلیل آن هم واضح است چون اکثر اعضای کادر آموزشی ما بر اثر اشتغال بمشاغل گوناگون کمتر فرصت داشته‌است خود را با پیشرفتهای جدید رشته خود آشنا سازد و اغلب موضوع بحث ایشان مطالبی است که یا مرده است و یا در حال مردن میباشد چه بهتر که میدان برای اشخاص دینامیک خالی گردد که هم با حر به آخرین پیشرفتهای مربوط به علم و فن خود مجهزند و هم با دارا بودن انرژی بیشتر قادرند رنج آموختن و افاضه مطلب جدید را بر خود هموار سازند.

۳ - نحوه آموزش

معمولاً در دانشگاههای موقی جهان سال تحصیلی به سه زمیستر زمستانی، بهاری و تابستانی تقسیم میگردد.

دوره هر يك از زمیسترهای زمستانی و بهاری در حدود چهار ماه و دوره زمیستر تابستانی در حدود دو ماه میباشد. برخلاف دانشگاههای ما که در آن سال تحصیلی نه ماه متوالی است و سه ماه تابستان دوره تعطیلی دانشگاهها را تشکیل میدهد. در سیستم زمیستری انتخاب دروس اختیاری است و بعداً دانشجویان واگذار میشود، جز آنکه پاره‌ای اوقات برای درك بعضی از دروس انتخاب بعضی از درسهای مقدماتی مورد لزوم است که با نظر استاد راهنما باید انتخاب شود، همچنین در بعضی از رشته‌ها برای احراز تخصصی در رشته مربوط انتخاب پاره‌ای از دروس که تعداد آنها محدود است الزام آور میباشد و همه دانشجویان آن رشته ناگزیر هستند آنها را انتخاب نمایند. در سیستم ما ترتیب کلاسی معمولی است، دانشجویان هر سال در يك کلاس قرار دارند، تعداد دروس برای هر کس مشخص است و همه دانشجویان ناگزیر باید آنها را انتخاب نمایند.

بنظر میرسد سیستم انتخابی دروس بدانچه بیشتر امکان میدهد که ابتکار و ذوق خود را مورد آزمایش قرار دهد.

در چنین سیستمی دانشجویان دروسی را که بدانها علاقه دارند انتخاب میکنند و این آزاد بودن در انتخاب باعث پرورش ذوق و ابتکار آنان میشود. موضوعی که در سیستم انتخابی مورد توجه است عبارت از آن است که هر گاه

دانشجویی درسی را انتخاب کند و در جریان تحصیل احساس نماید که در درك مطالب آن دچار اشکال میشود و یا موضوعهای مورد بحث مطابق ذوق وی نیست حداکثر تا يك ماه از شروع درس گذشته حق دارد آن درس را با موافقت استاد مربوط از فهرست دروسهای خود خارج نماید و هر گاه دانشجویی در درسی نمره کافی نگیرد فقط باید همان درس را در سال دیگر امتحان بدهد و عدم دریافت نمره قبولی در يك درس حق دانشجویان در دروسهای دیگری که نمونه قبولی گرفته است زایل نمیکند و حال آنکه در دانشگاههای ما از قرار معلوم هر گاه دانشجویی حتی در يك درس غیر تخصصی که چندان رابطه‌ای با دروس تخصصی ندارد نمره قبولی نگیرد این نمره غیر قبولی نمره‌های قبولی دروسهای دیگر را بلا اثر میکند و دانشجو و ادار میشود که کلاس و دروسها را از نو تجدید کند .

بنظر میرسد این مسئله قابلیت آنرا دارد که توجه لازم را برای چاره اندیشی جلب کند چه بسا امکان آن هست دانشجویی که برای يك ماده درس غیر تخصصی مجبور شده است در يك کلاس چند سال بماند این امر صرف نظر از آنکه از نظر اجتماعی يك نقطه منفی را تشکیل میدهد از لحاظ دانشجو نیز ممکن است عقده‌ای بوجود آورد و اعتماد او را درباره استاد متزلزل سازد . مطلب دیگر که در دانشگاه‌های مامعوم نیست ولی در دانشگاه‌های کشورهای مترقی بدان اهمیت خاص میدهند انتخاب استاد راهنما برای هر دانشجو است . در دانشگاه‌های مزبور بجهت ثبت نام در دانشگاه برای هر دانشجو يك استاد راهنما معین می‌شود که بدان دانشجو در انتخاب دروس و در سایر موارد ضروری کمک لازم میکنند . حتی دانشجو در مسائل خصوصی نیز مجاز است از راهنمایی‌های استاد راهنما استفاده کند . استاد راهنما از هر جهت مراقب تحصیل و رفتار دانشجویی باشد و نظرویی درباره دانشجو برای دانشگاه قاطع است .

مسئله انتخاب استاد راهنما برای هر يك از دانشجویان مادر درجه اول لزوم و اهمیت است فواید این امر بی شمار است این نظر حاصل نمیشود مگر آنکه اول بکادر آموزشی خود بگوئیم وظیفه‌ای جز تعلیم و تعلم نباید داشته باشند .

دانشگاههایی که به نتایج کارهای خود علاقمند هستند کمال مراقبت را دارند که افرادی محقق به جامعه تحویل نمایند . این مسئله احتیاج شك به شك کردن ندارد هر گاه کسی سالهای متوالی از روی جزوه يك سلسله مطالب را برای دانشجویان خود بخواند و در آخر سال دوسه سؤال انتخاب کند هر کس سواد را با اصل تطبیق کرد فبها و الا چنین کسی نمی تواند نام معلم

بر خود گذارد و محصول کارش هم بنجل‌هایی خواهد بود که بدرد هیچ بازار نخواهد خورد .

معلم نباید قانع شود باینکه از دانشجو در آخر سال امتحانی در حد و درسهایی که داده است بعمل آورد . معلم باید نمره نهائی خود را بکارهای مختلف که از دانشجو انجام دادن آنها را درخواست میکند تقسیم نماید و برای هر يك از این تکالیف چند درصد نمره نهائی را مقرر دارد . معلم باید دانشجو را وادار کند که درباره موضوع‌های مختلف بمطالعه بپردازد و مقالات مختلف درباره آن موضوع‌ها را مطالعه کند و گزارشی تهیه نماید . معلم باید گزارش را بدقت بخواند ایرادها را تذکر دهد و هر يك از این گزارش‌ها باید چند درصد نمره کل را تشکیل دهد برای دانشجو باید این مسئله بوضوح به پیوندد که معلم وی بقدر مجموع مطالعات دانشجویان کلاس خود بلکه بیشتر مطالعه میکند و در جریان آخرین مطالعات و پیشرفت‌های رشته‌ای که تدریس میکند قرار دارد .

معلم نباید خود را قانع کند که مطالبی را هر سال عیناً تکرار نماید . علوم و فنون دائم در تکامل و پیشرفت است در دنیا کنونی در جازدن برای معلم دانشگاه از کفر هم بدتر است . معلم باید باناشران مهم داخلی و خارجی در ارتباط باشد و از آنها بخواهد که بطور مرتب فهرست انتشارات مربوط برشته او را برای وی ارسال دارند و هر گاه لازم آید کتاب‌های درسی را ولو آنکه در نیمه سال تحصیلی باشد عوض کند و کتاب‌ها و مباحث تازه را بدانشجویان خود عرضه دارد .

ترتیب فعلی امتحانات بر روی اذهان لطیف و دقیق دانشجویان سنگینی می‌کند . طوطی‌وار و بطور فشرده مطالبی را وارد ذهن کردن و پس از جلسه امتحان همه آنها را يك باره بدست فراموشی سپردن هیچ دردی را دوا نمی‌کند .

مطالعه کتابها و مقاله‌های متعدد که معلم برای دانشجویان خود انتخاب میکند دانشجویان را وادار می‌نماید که به تبعیت بپردازند و حس ابتکار خود را بکار برند این ترتیب نه تنها به دانشجو معلومات وسیع و عمیق درباره موضوع‌های معین میدهد بلکه حس در مقام تحقیق بر آمدن وی را تحریک میکند و او را بسوی محقق شدن رهبری میکند . این آن چیزی است که بایستی هدف غائی هر دانشگاه و مؤسسه عالی تعلیماتی باشد .

در اینجا درباره شش نکته دیگر که خارج از تقسیم بندی مزبور است و توجه به هر يك از آنها در پیشرفت دانشگاه خالی از تأثیر نیست مطالبی آورده میشود :

الف. شورای دانشگاه: شورای دانشگاه نباید بخود منتهی گردد، در شورای دانشگاه باید نمایندگان از فارغ‌التحصیلان دانشگاه و صاحبان حرف و صنایع و مشاغل آزاد وجود داشته باشد. دلیل این امر واضح است چون شورای دانشگاه عالی‌ترین مرجع اخذ تصمیم درباره امور مربوط بدان دانشگاه است بنابراین باید راهی بخارج داشته باشد تا اخذ تصمیم بر مبنای وسیع‌تری اتخاذ گردد. از طرف دیگر برای محفوظ داشتن همبستگی فارغ‌التحصیلان با دانشگاه شرکت آنها در چنین مرجعی بحلقه ایشان میافزاید و باعث می‌شود که در پیشرفت مادی و معنوی دانشگاه از بذل مساعدت کوتاهی نکنند. در توجیه شرکت صاحبان حرف و صنایع و مشاغل آزاد در شورای دانشگاه باید گفت که از فکر پول‌سازی این‌عهده در پیشرفت مادی دانشگاه می‌توان استفاده کرد. چون معمولاً دوره عضویت در شورای دانشگاه سه‌سال است، هر سال می‌توان در تجدید انتصاب یک‌سوم از آنها اقدام کرد.

ب - کتابخانه مرکزی دانشگاه: بدون داشتن کتابخانه مرکزی دانشگاه نمیتواند مدعی شود که محقق بجامعه تحویل میدهد. کتابخانه مرکزی در آموزش دانشجویان تأثیر کلی دارد، بدون وجود آن دانشجوی قادر نیست تکالیف دانشگاهی و گزارشهایی را که برای هر درس لازم است تهیه نماید. در دانشگاه‌های بزرگ عالم تعداد کتابهای کتابخانه مرکزی بچند میلیون میرسد. دانشجویان دوره فوق لیسانس و دکتری اجازه دارند داخل مخازن کتابخانه بشوند برای این دسته از دانشجویان دورتا دور هر طبقه از عمارت کتابخانه مرکزی میزهای متعدد نمره‌دار قرار داده شده است که هر کدام متعلق بیک دانشجو است و دانشجو باید قبل از شروع هر نیم‌سטר تحصیلی آنرا درخواست نماید. با این ترتیب دانشجویان هر کتابی را که بخواهند با استفاده از راهنمای کتابخانه سهولت پیدا میکنند و در گوشه‌ای از مخزن مورد مطالعه قرار میدهند. عدم وجود قید و تشریفات در دسترسی بمنابع وسیع کسب اطلاع و معلومات در تسهیل کار دانشجویان کمک بزرگی است و باعث صرفه‌جویی در وقت آنها میشود.

در طالار اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه‌های بزرگ جهان صرف نظر از گردآوری مقررات و خلاصه مذاکرات سازمانهای بین‌المللی صدها مجله و روزنامه اعم از داخلی و خارجی در جای معین فراهم آمده است. مطالعه این نشریه‌ها که منعکس‌کننده اوضاع عمومی کشورهای مختلف جهان است در تشکیل اطلاعات عمومی دانشجویان کمک قابل ملاحظه‌ای محسوب میگردد.

بنظر میرسد اگر ما نیز بخواهیم محقق بجامعه تحویل دهیم باید در تشکیل کتابخانه مرکزی و طالار اسناد منضم بدان اقدام نمائیم.

ج - انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه: تشکیل انجمن فارغ التحصیلان از مسائل ضروری است و قابل بذل توجه مخصوص میباشد. فارغ التحصیلان هر دانشگاه تأثیر غیر قابل انکار در پیشرفتهای مادی و معنوی دانشگاه خود میتوانند داشته باشند. بر دانشگاه است که تماس خود را با فارغ التحصیلان خود هیچگاه منقطع نسازد و این کار مقدور نخواهد بود مگر با تأسیس انجمن فارغ التحصیلان دانشگاه، برای حفظ این تماس ممکن است دوالی سه روز را در هر سال بیازدید فارغ التحصیلان از تأسیسات دانشگاه اختصاص داد. در این روزها میتوان با اجرای برنامه هائی هم موجبات سرگرمی فارغ التحصیلان و تجدید خاطرهای آنها را از دیدار دانشگاه فراهم کرد و هم آنها را در جریان پیشرفتهای دانشگاه قرار داد. همچنین انجمن مزبور ممکن است با انتشار نشریه ای ماهانه دست بزند و بر اثر آن میزان تماس را بیشتر نماید.

د - دانشجویان خارجی دانشگاه: مسئله دانشجویان خارجی در دانشگاه باید با اهمیت خاص تلقی گردد. زیرا آنجا معرف فرهنگ کشور خود میباشد و از مجموع ایشان فرهنگ بین المللی بوجود میآید و بهمین مناسبت معمولاً باشکاه دانشجویان خارجی بنام «باشکاه فرهنگ بین المللی» نامیده میشود.

دانشجویان خارجی معمولاً بیکی از سه صورت ذیل در دانشگاه کشور. های مترقی پذیرفته میشوند: بدون قید و شرط اینها دانشجویان رسمی دانشگاه هستند و با شرایط مساوی با دانشجویان بومی با دامنه تحصیل می- پردازند. مشروط اینها کسانی هستند که باید کار و استعداد خود را بدانشگاه نشان بدهند، معمولاً دانشگاه از دانشجویان این طبقه بندی میخواهد که چند درس در رشته مربوط انتخاب کنند پس از گذراندن امتحان درسهای مزبور دانشگاه نظر خود را دایر به پذیرفتن یا عدم پذیرفتن این دسته از دانشجویان اعلام میدارد. دسته سوم بنام دانشجویان مخصوص نامیده میشوند این دسته از دانشجویان که نه دانشگاه درباره آنها و نه آنها درباره دانشگاه تمهیدی دارند کسانی هستند که برای مطالعات عمومی در بعضی از دروس ورشتهها بدانشگاهها روی میآورند.

دانشگاهها معمولاً بیشتر خوشوقت میشوند هر گاه تعداد دانشجویان خارجی دانشگاه زیاد بوده و از هیئتهای مختلف باشند. تشکیل تنوع فرهنگ بیه دانشجوی دیگر این امکان را میدهد که معلومات لازم را درباره هر نقطه از جهان از سکنه ای از اهل آن کشور که مانند خود او در دانشگاه بتحصیل اشتغال دارد بدست آورد. با دانشگاههای ما است که بموازات پیشرفتهای خود در جلب دانشجویان خارجی نیز همت بگمارند و به محیط فرهنگی خود تنوع خاص بخشند.

ه - روزنامه دانشگاهی: بیش از صد سال است که دانشگاههای مهم

جهان روزنامه دانشگاه را بطور وقفه ناپذیر منتشر میکنند چنین روزنامه‌ای صورت و عنوان دولتی ندارد بلکه نشریه‌ای است که با تشریک مساعی دانشجویان مؤسسه یا دانشکده روزنامه نگاری دانشگاه منتشر میگردد. کلیه کارهای روزنامه از خبرنگاری و مصاحبه گرفته تا تهیه سرمقاله، صفحه بندی و اجازه چاپ بوسیله خود دانشجویان انجام میگردد منتهی یکی از استادان رشته روزنامه نگاری سرپرستی و نظارت کار را بعهده دارد. اساساً انتشار روزنامه دانشگاه یکی از دروسهای دانشکده روزنامه نگاری را تشکیل میدهد و استاد مربوط به سهمی که هر یک از دانشجویان در انتشار مرتب روزنامه بعهده دارند کارهای ایشان را ارزیابی میکند و از روی آن نمره نهائی هر یک را میدهد. بنظر میرسد برای ایجاد وحدت فکر و نظر در دانشگاه نه تنها باید از این واسطه وسیع ارتباطی استفاده گردد بلکه باید مؤسسه روزنامه نگاری که طی پنج سال دوره آزمایشی آن در دانشگاه تهران بپایان رسیده است برای تهیه و تربیت کادر روزنامه نگاری و اصلاح وضع مطبوعات ایران رسماً تشکیل یابد.

و - رفتار استاد باید برای دانشجویان سرمشق باشد: رفتار استاد با دانشجو باید دوستانه باشد این آن چیزی است که در همه دانشگاههای متمدنی جهان بچشم میخورد باد درگلو انداختن و دانشجو را بهیچ انگاشتن ناشی از خود پسندی است و چنین صفتی منشائی جز جهالت ندارد. در دانشگاههای بزرگ عالم استاد بدانشجویان خود سلام میکند و در ورود و خروج از کلاس درس و تالار جلسه دانشجو را مقدم میدارد. در برخوردها و گفت و شنودهای استاد و دانشجو کوچکترین اثری از مدامت و تملق گوئی ملاحظه نمیشود و دانشجو مجوزی برای تملق گوئی می بیند و نه استاد چنین اجازه‌ای بدانشجو میدهد، شاهد مثال نمونه ذیل است که خود ناظر آن بودم در یکی از دانشگاههای بزرگ غربی استادی از تالاری آهنگ خروج کرد یکی از دانشجویان خارجی که با او بود سیقت گرفت و در را برای خروج استاد باز کرد خیال میکنید عکس العمل استاد در قبال این خوش رقصی چه بود؟ با حال تعرض برگشت و از خروج خودداری نمود.

بنظر میرسد ذوق اکثر استادان ما با تملق گوئی سازگار باشد و مدار محبتشان درباره دانشجو بر روی صفحه‌ای میچرخد که درجه بیشتری از تملق گوئی را نشان دهد. ما نباید فراموش کنیم که دانشجویان کنونی نسل بعدی مملکت را تشکیل میدهد و این نسل در مواجهه با مشکلات زمان خود احتیاج بورزیدگی و انسجام اخلاقی بیشتری دارد.

با تحول سریعی که دنیای ما با آن روبرو است و نقش قاطعی که دانشگاهها در هم آهنگ کردن کشور با این پیشرفتهای برق آسا دارند آیا زمان لازم فرا نرسیده است که در اساس تشکیلات دانشگاههای خود تجدید نظر کنیم ؟